

همه چی  
مستتر است  
(نسبتاً)

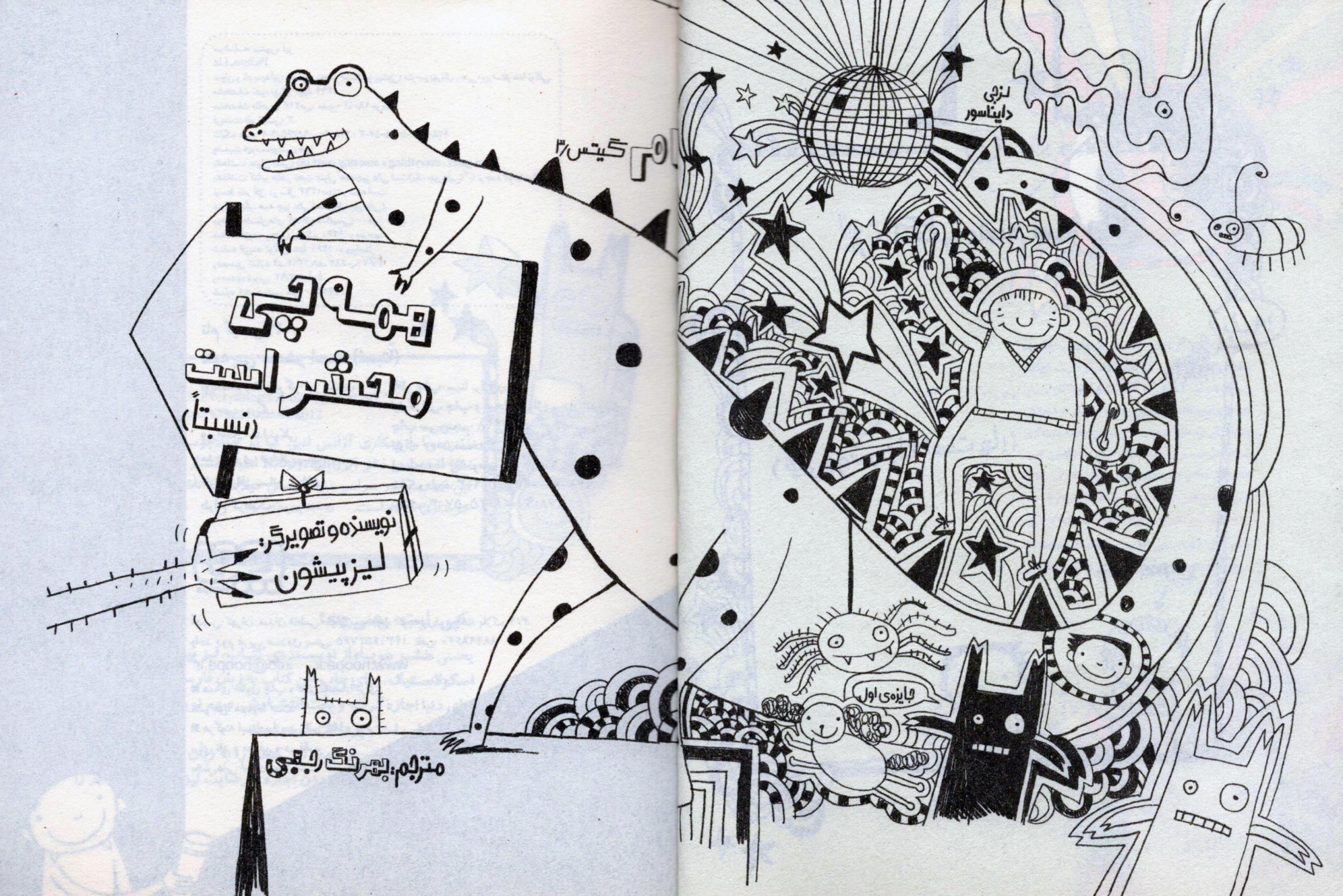
نویسنده و تصویرگر:  
لیز پيشون

مترجم: بهرنگ ربیعی

گیتس ۳

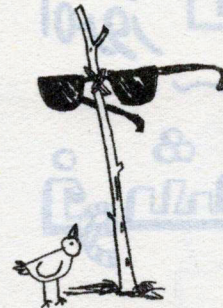
لژی  
دایناسور

بازی اول



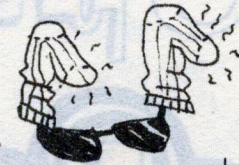
# ۱. استفاده‌های عالی > پیکری

هم برای عینک آفتابی دلیا پیدا کرده‌ام  
(که خودش از شان هیچ خبر ندارد).



مترسک

پایه‌ی جوراب‌های بوگندو



خارنده‌ی  
زیر بغل



خارنده‌ی پا

# ۲. تا نان‌های صبحانه‌ام از توی توستر بیرون بیرون، > جوبار

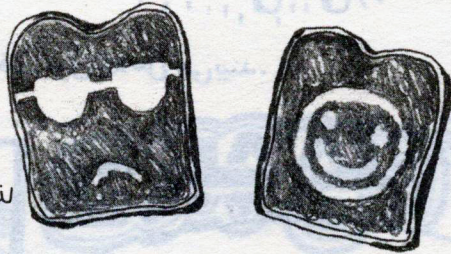
دور باغچه دویدم.



یک رکورد جهانی است

# برای تام گیش

# ۳. نقاشی‌هایم \* روی نان‌های تست محشر بودند!



هنرمندی‌هایم  
روی نان تست

لذت ببرید!

به خصوص آن یکی که قیافه‌ی دلیا را کشیده‌ام.

# تستی یک‌کم هم

می‌رسم مدرسه.



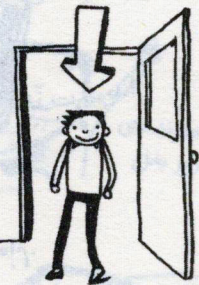
\* برای یاد گرفتن اینکه چطور می‌شود روی تست نقاشی کشید، نگاه کنید به صفحه‌ی ۴۰۷.

# آقای فولرمن از **تقلب** خشکش زده

که من را سر وقت توی کلاس می بیند.



می گوید،



چه غافلگیری قشنگی تام

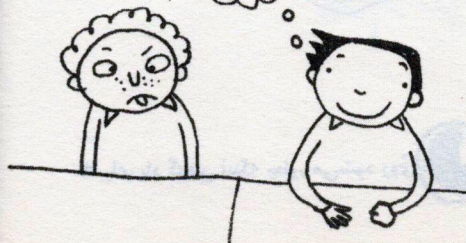
و لبخند می زند.

(خیلی پیش نمی آید که آقای فولرمن لبخند بزند.)

بعد مارکوس برایم شکلک درمی آورد.

(خیلی پیش می آید که مارکوس شکلک در بیاورد.)

چه قشنگ



# ولی امروز **هیچ چیزی**



نمی تواند حالم را **بلا** کند!



جز این دوتا کلمه ...